



۲۰۲۰/۰۹/۲۳



ناصر پورپيرار / ارسال ش. ساپی

یادداشت بی بدیل - بخش دوم (آخر)

بدین ترتیب بیش از دو راه در برابر مترصدین دریافت حقیقت قرار نمی گیرند:

یا صحت این پاپيروس نوشته های مصری را رد کنند و یا بار دیگر به باورهای فرهنگی و فرقه ای خویش، که علی الاصول از میان کتاب های قرون اولیه ی اسلامی تراوش کرده، نظری دوباره بیاندازند. از جمله سؤال کنند که اگر این همه برگ نوشته های پاپيروسی یافته ایم، چرا هنوز قطعه نوشته ای به قدمت نامه ی پیدا نکرده ایم که بر آن، قطعه حدیث و شرح تاریخ و سیره و غزوات و یا سطرى از مضمون فلسفه ی یونان باستان بر آن نوشته شده باشد؟ این فرصتی است تا تکرارکنم تدارک سراپای مکاتب فلسفی کهن، از اسلامی و غیر اسلامی و دنباله ی معاصر آن را، در دوران اخیر گشوده اند تا به هرگونه تشکیکی، فرصت پناه بردن به گردشگاهی از کلام دهند که لایبرنت های گیج کننده ی بدون مخرجی از شمشادهای زبان بازی فاخرانه و نامانوس دارد.

«برای حدود چهار هزار سال، پاپيروس عنصر اصلی نگارش در میان مصریان بود. مصریان پاپيروس را، که در زبان عرب قرطاس می گویند و برگرفته از خرطاس یونانی است، که آن هم ریشه در کلمه ی آرامی قرطیس دارد، از گیاه بومی سیروس پاپيروس در درجات مختلف کیفیت و ضخامت تهیه می کردند و استفاده از آن را بر لوحه های گلین و چوب و پوست ترجیح می دادند، زیرا که کاربرد آن ها سهل تر بود. دست کم در حدود یک هزاره پیش از میلاد، استفاده از پوست برای نوشتن در دنیای باستان رایج شد، لکن در سراسر دوران پس از اسکندر، مصریان هنوز از پاپيروس استفاده می کردند. زمانی که در قرن اول هجری اعراب اسلام را به مصر بردند، استفاده از پاپيروس تا قرن چهارم هجری در نزد آنان متداول بود، اما از آن که تهیه ی کاغذ در مقایسه با پاپيروس مقرون به صرفه تر بود، کم کم پاپيروس جای خود را به کاغذ داد.» (جفری خان، نامه ها، صورت حساب ها و قبالة ها، ص ۱۱، متن اصلی)

برای دخالت دادن بازمانده های قرآن نگاری در این مدخل، یعنی بازیابی آغاز دوران تولید کتاب در جهان اسلام، که انتقال نقل فوق به آغاز آن ضروری بود، پیشاپیش باید به چند نکته ی مقدماتی و مهم توجه دهم. نخست این که غالب یافته های کنونی از متون قرآنی، بر پاره پوست نوشته و به صورت لت های آزاد است. تنوع خطوط که حتی دسته بندی آن ها را ناممکن می کند، به علت تعلق این رقعات آزاد به نیاز آموزشی افراد در اقالیم مختلف است، تازه مسلمانان غیرعربی که برای به یاد سپردن آیاتی از قرآن، در زمانی که هنوز قرآن کاملی جز در سینه ی هزاران مومن عرب نوشته نبود، مرجعی برای بازخوانی به دست خود فراهم می کرده اند. در واقع این لت نویسی ها را باید قرآن هایی شخصی و نه رسمی و تدارک یادداشت هایی برای ایجاد امکان تکرار کلمات، تا اندازه ی سپردن کامل به حافظه شناخت، که بحث کامل تر آن را در بخش دوم کتاب پلی بر گذشته آورده ام. عجیب این که هنوز پاره نوشته ی قرآنی بر پاپيروس نیز نیافته ایم که نشان می دهد احتمالاً کاتب قرآن، نگارش بر پوست را فاخرتر و ماندگارتر، با قابلیت مراجعه ی مکرر و آسیب ناپذیرتر دیده است .

«بیش ترین قرآن های پیش از قرن چهارم هجری، که در دسترس ما قرار دارد، به شکل رقعاتی است که اغلب شامل یک تک برگ و یا حتی قسمتی از آن است. در اکثر موارد این برگ های مخنوش و آسیب دیده متعلق به قرآن هایی است که یا به علت گسستگی شیرازه و یا منسوخ شدن خط آن ها قابل استفاده نبوده، از دسترس عموم خارج شده بود. احترام خاصی که مسلمانان از ابتدا برای قرآن و به ویژه کلمه ی «الله» قائل بوده اند، مانع پراکندگی و نابودی این دست

د پانو شمیره: له 1 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پانونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

خط ها شده است. از این رو این برگه ها را در مکان مخصوصی در مسجدها نگاه می داشتند تا نسبت به آن ها بی حرمتی نشود. همین امر موجب شد که تعداد بسیاری نمونه ی لت نویسی از نابودی کامل نجات یابد». (فرانسیس دروش، سبک عباسی، ص ۱۳)

این تصور که رقعات به دست آمده، برگه هایی از قرآنی شیرازه گسیخته باشد، از نظر فنی درست نیست. زیرا پوست نوشته های قرآنی قدیم، که تاکنون نمایش داده اند، صفحات تا خورده ندارد و آثاری از عبور سوزن صحافی بر عطف لت ها دیده نمی شود. دومین مطلب توجه به این نکته است که خلاف پاپيروس نوشته ها و سکه ها، که با ذکر تاریخ نگارش و اسامی اشخاص همراه است، بر قرآن نوشته های قدیمی، به صورت لت و یا کتاب کامل، نام خطاط و یا تاریخ و محل نگارش ذکر نیست. ظاهرا این ادای حرمتی است خاشعانه و سنت عامی است از سوی کاتبان، که خود را در برابر عظمت کتاب خدا گم نام شمرده و خواسته اند.

«تعداد بسیار کمی از قرآن ها و تک برگ های متعلق به اولین چهار سده ی هجری دارای نوشته هایی است که محل وقف آن ها را مشخص می کند. این گونه وقف نویسی های قدیمی ممکن است دقیقا زمان پایان نگارش قرآن و یا مدتی پس از آن را آشکار کند. که گاه در تک برگ های اول و یا آخر قرآن های مخدوشی که در دمشق کشف شده، نوشته هایی کهن، چون زمان تولد یا مرگ دیده می شود، اما فهم و درک صحت این اشارات و تاریخ ها و ارتباط واقعی آن ها با زمان نگارش دست نوشته، همچون وقف نویسی ها بسیار مشکل است. متأسفانه چیزی که اکنون به عنوان شناسنامه ی کتاب می شناسیم در آن زمان متداول نبوده و حتی پیش تر همین اشاره های معدود و محدود نیز جعلی است. شواهد و مدارکی که مکان خلق این آثار را به ما بگوید، حتی از مدارک تاریخ نگارش آن ها نیز نایاب است. به ویژه تک برگ های باقی مانده را نمی توان به شهری خاص نسبت داد و تعیین و تضمین نگارش و تذهیب آن ها، به ویژگی های هنری شهری خاص، تقریبا غیرممکن است». (فرانسیس دروش، سبک عباسی، ص ۱۴)



سند ۲ . قطعه قرآن نگاری دیگری برگرفته از صفحه ۱۱۵ کتاب سبک عباسی که زمان نگارش آن را اواخر قرن چهارم هجری حدس زده اند.

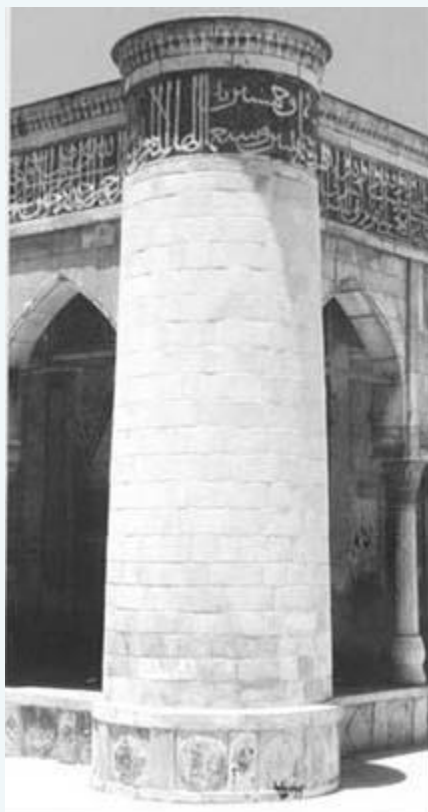
سند ۱ . قدیم ترین قطعه نگاری قرآنی، برگرفته از صفحه ۳۰ کتاب سبک عباسی، که زمان تحریر آن را اواخر قرن اول هجری حدس زده اند

پس خلاف پاپيروس نوشته ها، که محقق را لاقفل به نام و محل و تاریخ نگارش قطعه ره نمایی می کرد، در باب پاره قرآن نویسی های باقی مانده، تعیین تکلیف با این گونه آگاهی ها را، از محل و نام و زمان نگارش و نگارنده، باید به دست حدس و گمان سپرد. مثلا در این جا مولفین کتاب سبک عباسی، نمونه سند اول را بازمانده ای از اواخر قرن نخست

د پانوی شمیره: له 2 تر9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خيږ و لولئ

هجری و تک لت سند دوم را، متعلق به قرن چهارم هجری دانسته اند. بدون هیچ تعارفی چنین تعیین و تشخیص هایی مبتنی بر گمانه ها و توهمات و عمدتاً بر اساس قیاس پیشرفت علامات و اعراب و نقطه گذاری و نظم بیش تر صورت ظاهر حروف بوده است، بدون این که بتوانند به درستی تعیین کنند که زمان واقعی آغاز این تحولات نگارشی در چه دورانی و به کدام دلیل بوده است. زیرا **اگر در همین دو نمونه، با سیصد سال فاصله نیز، جز تفاوت بس کوچکی در سبک نگارش و نصب نقطه و اعراب نمی بینیم**، پس وجود یک مکتب آموزشی پی گیر برای ارتقاء نحوه ی نگارش خط عرب، که کار تالیف و برداشت از متون اسلامی را برای سراسر جهان اسلام ساده کند، خود زاینده ی تصور دیگری است، زیرا در نمونه ۲، هر چند برخی علامات جدید به کار رفته، اما ظاهر معیوب حروف، ناباورانه، حتی از نمونه شماره ۱، که متعلق به اواخر قرن اول هجری دانسته اند، تربیت ندیده تر است. بنابراین اگر در این گونه لت نگاری های شخصی، عرض اندامی از کاتب و محل و زمان نگارش ندیده ایم، از آن باب بوده است که محرر گمان خلق اثر ماندگاری را نداشته و مشغول برآوردن نیازهای فردی خویش بوده است. نبود همین اطلاعات در قرآن های کامل و نسبتاً جدیدی، که باز هم زمان و مکان کتابت و نام کاتب آن مجهول است، جز با تفسیر کرنشی در مقابل قرآن بیان شدنی نیست. حاصل کلام این که با بررسی لت های قدیم قرآنی، از هیچ طریقی قادر نخواهیم بود به زمان دقیق و قابل اطمینان ایجاد تغییرات در خط عرب، که نیاز میرم نگارش عمومی و غیر قرآنی، از قبیل تاریخ و سیره و حدیث و تفسیر و فلسفه و غیره بوده است، پی ببریم، چرا که در نمونه های مورد بررسی تعیین و تصریح و قیدی برای زمان نگارش آن ها دیده نمی شود و چون از راه توجه به پایبوس نوشته های مصری، لااقل می دانیم که چنین تحول و تکمیلی در نگارش خط عرب تا قرن ششم هجری روی نداده، پس رد کتاب نویسی اسلامی تا قرون متمادی در پی طلوع اسلام، دشوار نمی نماید.



د پانو شمیره: له 3 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یاښونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

سند ۳. برگی از قرآن برگرفته از صفحه ۳۵ کتاب
کارهای استادانه» که تاریخ نگارش آن را قرن
سند ۴. نمایی از مسجد جامع عتیق شیراز که گرچه
کتابخانه نویسی تاریخ دار به
خط کامل محقق دارد،
ششم هجری حدس زده اند
اما
زمان ساخت آن را قرن سوم هجری تشخیص
داده اند

!!!!

گرچه محققین و مولفین کتاب «کارهای استادانه»، لت قرآنی سند شماره ۳ را، که برگی از جزو هشتم یک قرآن سی جزوی، با خط کامل و سخت پخته شده و ظریف محقق و علامت گذاری و آرایش کامل و رنگ اندازی و حتی تذکر تعداد حروف دال در سراسر قرآن است، متعلق به قرن ششم هجری گفته اند، اما در مقابله و مقایسه با خط سکه های اسلامی و پاپيروس های همان زمان، ناگزیریم عمر این نمونه را چند قرنی تغییر دهیم و نگارش چنین قرآنی با خط پخته و پاکیزه و تربیت شده و نو پیدای محقق را، در همان قرنی نیندازیم که **سکه خلیفه و رسید دولتی او را کاملاً ناپخته و با حروفی بدون اسلوب می نوشته اند!!!** و اگر کسانی در شیرازی که پیش از زمان زندیه بر صحنه ی تاریخ و جغرافیا نبوده، با ارائه ی کاشی هایی با خطوط جدید، چنان که در سند شماره ی ۴ می بینیم، مسجد زمان یعقوب لیث به قرن سوم هجری بنا می کنند، جز فریب کارانی مشغول بازی با تاریخ و دین ملی و تحمیق عوام نبوده و نیستند. **آن گاه وجود قرآن هایی با ترجمه ی فارسی کامل و با تمام علامات امروزی در گنجینه ها، که به قرن سوم و چهارم هجری، زمانی که خط عرب هم هنوز نقطه و اعراب ندارد، منسوب است،** به خواننده تفهیم می کند که جاعلین تاریخ ایران و اسلام و سازندگان فرقه های اسلامی، بدون رعایت حرمت، همه چیز ما را مورد سوء استفاده قرار داده اند. بدین ترتیب مدعی می شوم که ظهور بلوغ در خط عرب، حتی برای نگارش نسخه ای از قرآن اعراب و نقطه دار، که اصلی ترین متن برای مسلمانان بوده و هست، مقدم بر قرن هشتم هجری میسر نبوده است، چه رسد به این همه کتاب، که مثلاً **ابن ندیم** تالیف آن ها را به قرون اول هجری می کشاند!!!

اینک باید حاصل این سطور را توسعه و توجه دهم که اگر در مسجد و امام زاده ای کتیبه ی ازاره و کاشی نوشته ای به خط بالغ شده ی نسخ یا محقق یا رقاع و غیره با نقطه و اعراب کامل و حروف منظم دیده شد، یا باید کتیبه و کاشی تاریخ خورده را، جدید و از زمان صفویه و پس از آن دوران بشماریم و یا تاریخ بنای مسجد را به دورتر از قرن نهم هجری نگشانیم. بی شک این مدخل نوگشوده هنوز به فراخی و فرض های بیش تری نیازمند است تا مگر سرانجام دریابیم که نشأت داده های نادرست بسیار، از کتاب های تاریخ و تفسیر و سیره و معازی و حدیث و روایت، که بدون امکان و اصالت تولید، از تالیفات قرون نخست اسلامی شمرده اند، اندک اعتبار و حجت استنادی ندارند و جز با قصد ایجاد اختلافات فرقی و دور کردن توجه مسلمین از متن اصلی قرآن فراهم نکرده اند.

هنوز هم اسناد غیر قابل انکاری در دست است که اثبات می کند تنظیم و تکمیل فنی خط عرب، تا آن جا که قابلیت تالیف کتاب هایی را بپذیرد که در سراسر جهان اسلام امکان قرائت و استخراج معنا بیابد، امری است که عمر دست یابی به آن، قریب پانصد سال از زمان اعلام شده ی کنونی آن، یعنی قرن چهارم هجری، به ما نزدیک تر است .

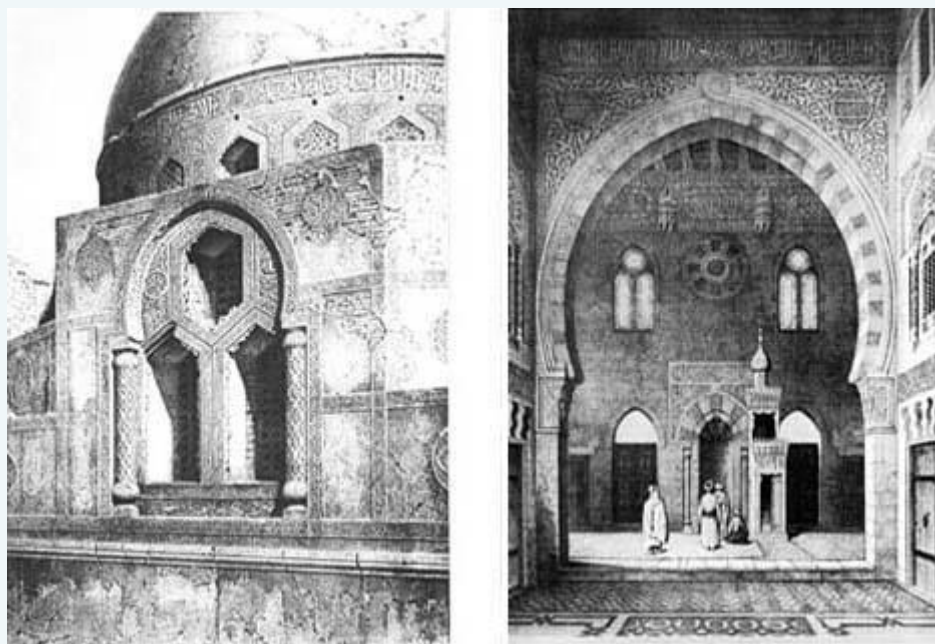
انستیتوی هنر فرانسه، **حوالی دو قرن پیش، زمانی که هنوز دوربین عکاسی نبود،** از بیم نابودی کامل، هیئتی از هنرمندان گرافیک و آرتیست های رسّامی را به سرزمین های اسلامی فرستاد، تا از نمونه های باقی مانده ی معماری، آرایش داخلی، کار بر چوب و فلز و گچ و مرمر و سنگ و کاغذ و شیشه، کپی های کامل و دقیق بردارند. حاصل این اقدام اعجاب آور، تنوین کتابی شد با دویست تابلوی رسّامی، که قریب ۱۲۰ سال پیش، برای نخستین بار، با نام **هنر عرب** در فرانسه به چاپ رسید. هیئت هنرمندان فرانسوی **به ایران و ترکیه رفتند،** تنها سرزمین های عرب را جست و جو کردند

د پانو شمیره: له 4 تر9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولۍ

و چنان که در مختصر نمونه های زیر می بینید، این کپی ها چنان استادانه آماده شد، که برخی از آن ها در نمایش جزییات، از برداشت های عکاسان زمان ما امین تر عمل کرده است.



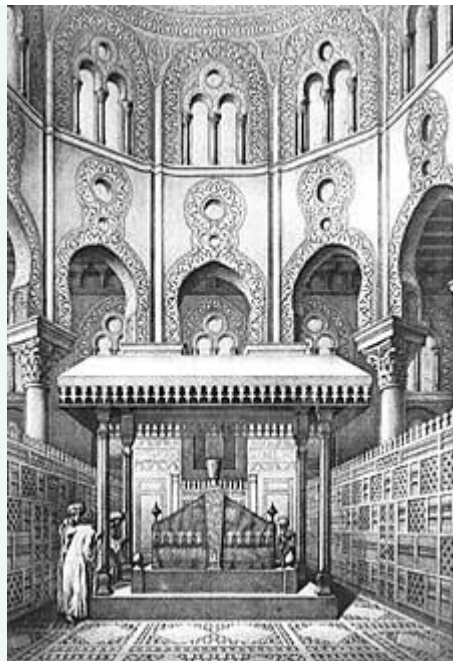
سند ۲

سند ۱

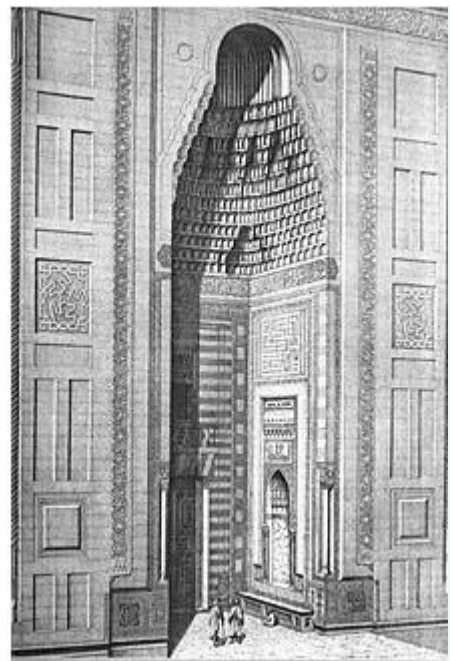
بی تردید تصاویر بالا، که به نسبت اصل و اریژینال آن بارها کوچک شده، نمی تواند زیبایی و دقت و رعایت امانت در کار خالق این رسامی ها را به خصوص در جزییات منتقل کند، اما نگاهی به همین نمای کلی کاملاً معلوم می کند که نمایش مراتب سایه ها در این کارهای قلمی، امین تر و دقیق تر و برتر از عکسی دوربین عکاسی عمل کرده است. این سخن را به عنوان یک هنر شناس در سطوح فوق ممتاز و مدعی آشنایی در حد اعلا با فن عکاسی و معماری اسلامی عرضه می کنم که: **هر یک از ۲۰۰ تابلوی موجود در کتاب «هنر عرب» از شاه کارهای رسامی جهان است** که بررسی آن ها از زوایای گوناگون به کشف رازهای هنر اصیل و انحصاری عرب کمک می کند. نمونه های ارائه شده در متن آن کتاب، متأسفانه توضیحات کافی ندارد و فی المثل شرحی را که برای سند ۱ در صفحه ۴۷ آورده، جز یک جمله نیست: «مسجد قایتابای. جزییات داخلی و محراب، قرن پانزدهم میلادی». در مورد سند ۲ نیز، در صفحه ۲۵ کتاب، به اختصار آمده است: «تکیه شیخ حسین صدقه، پنجره های بزرگ گنبد. قرن چهاردهم میلادی». بعدها بر کتاب جزوه ای افزودند که توضیح جغرافیایی و فنی بیش تری برای هر اثر ارائه می داد که اینک در اختیار کم تر کسی است.

د پانو شمیره: له 5 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ



سند ۴



سند ۳

دو رسامی مافوق عالی بالا نیز، شاهدان دیگری بر هیبت و اهمیت و دقت نظر هیئت هنرمندان فرانسوی در انجام ماموریت خویش اند و نیز نشان می دهند که یک معماری اصیل اسلامی، بدون زر و برق کاشی های معرق و آیینه کاری و مقرنس سازی و طلا اندازی های اضافی، حتی شکوه و جلال بیش تری دارند، چنان که لااقل در نظر من پیوسته یک پوست نوشته ی قرآنی بسی اصیل تر و حتی زیبا تر از نسخه های طلا پوش شده ی قرآن هایی بوده است که در چهار سده ی اخیر آماده کرده اند، چنان که **بر مقابر و گنبد و گلدسته ی بزرگان تشیع، احتمالاً به قصد اجرای سفارش قرآن به دوری از گزافه گزینی، ورقه ای از زر کشیده اند، بی این که بانیان این گونه امور بدانند که چنین زر افشانی ها، از ویژگی های نمایشات کلیسایی است، نه اسلامی.** باری، در ذیل تصویر مربوط به سند ۳، در کتاب هنر عرب آمده است: «مسجد سلطان حسین، درب بزرگ، قرن چهاردهم میلادی»، و ذیل سند ۴ نوشته شده: «مقبره ی سلطان قلاوون، قرن چهاردهم میلادی».



د پانو شمیره: له 6 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
 یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولئ

اینک به این چند نمای نزدیک توجه کنید که هر یک قسمت بزرگ شده ای از برخی بناهای معرفی شده در تصاویر بالا است. در این جا می توانید مهارت حیرت انگیز رسام را دریابید که با امانت تمام همراه هر قطعه آجر و سنگ و هر منحنی پیچک های گچی، در بدنه های پر کار بنا به راه افتاده و نقش آن را بر لوح کاغذین زیر دست خویش نشانده است. در این تصاویر کاملاً معلوم است که هنرمند فرانسوی با حرکات حروف در خط عرب آشنا نبوده و رد هر یک از آن ها را چون خطوط در هم گل بوته های گچی دیوار دنبال کرده است. اما از تمام این مقدمات و با بررسی کامل تابلوهای کتاب هنر عرب، به دو نکته اشاره می آورم که چشم ما را بر رموز و زمینه هایی باز می کند که در نظر اول جز سیاهی چیز دیگری دیده نمی شود.

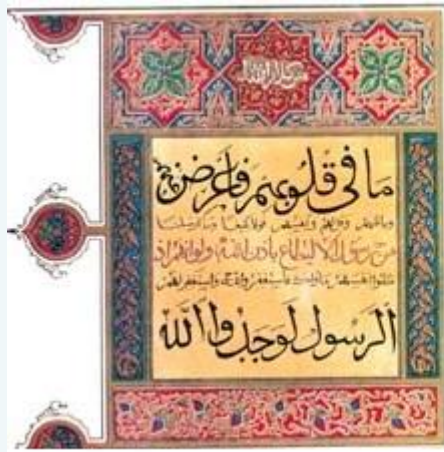


نمونه های معماری اسلامی در سرزمین های عرب، گرچه عمری همدوش و یا کهن تر از معماری مساجد عهد صفویه دارد، اما از هیچ جانبی، نه طراحی های زیر بنایی، نه استفاده از مواد اولیه، نه پرداخت نقوش و سطوح و نه کاربرد نوع خط و به خصوص نه در استفاده از کاشی های تزئینی، توافقی با معماری اجرا شده در ایران عهد صفویه ندارد. **در این جا از آن ازاره های کاشی نوشته و آن خطوط محقق و نسخ و معقلی خبری نیست** و در قرن هشتم و نهم هجری شاهدیم که کتیبه های قرآن نویسی مساجد سرزمین های اسلامی عرب زبان، بدون معرق کاری های مساجد نوبنیاد اصفهان و گوشه های دیگری از ایران، از جمله قم و کاشان و شیراز و خراسان، فقط در حال برداشتن گام های نخست در نمایش حروف تربیت شده ی خط عرب است .

د پانو شمیره: له 7 تر 9

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکي په خیر و لولی



سند ۸



سند ۷

اینک به این نمونه های قرآن نویسی های ارائه شده در کتاب **هنر عرب** توجه کنید: شرح کوتاه بر متن های مربوطه در صفحات ۲۰۶ به بعد آن کتاب به ترتیب چنین آمده است: سند ۷. قرآن، تذهیب صفحه ی نخست، قرن هفدهم میلادی. سند ۸. قرآن، صفحه ی تذهیب شده، قرن هفدهم میلادی. هنرمندان فرانسوی، در ابتدای قرن نوزدهم به شرق اسلامی فرستاده شده اند، پس این قرآن ها در زمره ی **آخرین تولیدات شمال آفریقا در زمینه ی قرآن نویسی** محسوب می شود .



حالا به این درشت نمایی خطوط قرآن های فوق، فراهم آمده در **قرن هفدهم و هجدهم میلادی** نگاهی بیاندازید تا مجاب شوید که نسخه برداران این قرآن ها بدون شک حتی کلامی در باب وجود **خط نسخ و محقق و رقاع** و غیره نشنیده اند.

د پانوی شمیره: له 8 تر 9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

نمونه ای از خط عرب در ۲۵۰ سال پیش از هجرت

نمونه ای از خط عرب در ۲۵۰ سال پیش از هجرت

نمونه ای از خط عرب در ۳۰۰ سال پیش از هجرت

نمونه ای از خط عرب در ۳۰۰ سال پیش از هجرت

نمونه ای از خط عرب در ۶۰۰ سال پیش از هجرت

نمونه ای از خط عرب در ۶۰۰ سال پیش از هجرت

نمونه ای از خط عرب در ۶۰۰ سال پیش از هجرت

نمونه ای از خط عرب در ۶۰۰ سال پیش از هجرت

نمونه ای از خط عرب در ۶۰۰ سال پیش از هجرت

این ها نمونه ای از خط عرب پیش از اسلام است که بر مواد و در محل های گوناگون به دست آمده است. تمام آن ها، هرچند به دشواری، اما با سود بردن از تلفظ و معانی، در الفبا و لغت عرب کنونی، قابل خواندن و معنا کردن است. **نه فقط چنین میراثی را در میان مردم ترک و فارس نیافته ایم، بل شاهدیم و گواهی می دهیم که دو ملت اخیر، برای عرض اندام فرهنگی، به محض ورود و حضور تاریخی، در سده های اخیر، از خط بالغ و کامل شده ی عرب با سهولت تمام سود برده اند و شگفت این که کسانی در میان این آماده خواران خود را طلب کار فرهنگ عرب هم می دانند!!**

پایان

د پانوی شمیره: له 9 تر9

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ